

سیاست خشونت و ضرورت مقابله با احکام اعدام

سارا محمود

در حالی که روزنامه‌های وابسته به دستگاه‌های امنیتی رژیم خیر از محاکمه دانشجویان دستگیر شده و صدور حکم اعدام برای آنان می‌دهند، مصباح‌یزدی در نماز جمعه ۲۹ خرداد، به تقدیس خشونت پرداخت و به زبان حکومتیان اعلام کرد اگر رژیم اسلامی با نهایت خشونت عمل نکند، باید منتظر خیزش مجددی باشد. حتی کمیته تحقیق شورای عالی امنیت ملی که به ظاهر می‌بایست نهادهای دانشجویی وابسته به دولت را به نحوی راضی و آرام کند، در گزارش خود جا به جا بر ضرورت برخورد قاطع و در واقع سرکوب دانشجویان تأکید کرده و تدارک آن را به وزارت اطلاعات، یعنی نهاد فشار و شکنجه و سازمان دهنده و مجری قتل‌های زنجیره‌ای، واگذار کرده است. به این ترتیب سایه مرگ بر سر بازداشت شدگان و کلاً زندانیان سیاسی و افرادی که در معرض بازداشت هستند، سایه انداخته است.

شیخون وحشیانه نیروهای انتظامی و شبه نظامی تحت فرمان رهبر رژیم به کوی دانشگاه با هدف سرکوب جنبش دانشجویی، اما به شیوه‌ای صورت گرفته بود که نشان دهد شعار "حکومت قانون" رئیس جمهور رژیم عملی نیست. اما وقتی این تهاجم با مقاومت دلیرانه دانشجویان روبرو شد و در بسیاری از نقاط ایران به ویژه در تهران با سرعت تکان دهنده‌ای به یک خیزش عمومی علیه خود نظام تبدیل شد، دستگاه حاکم تاکتیک خود را تغییر داد و برای پیشبرد سیاست سرکوب به جای تأکید بر آن که "حکومت قانون" عملی نیست، تلاش می‌کند الفاء کند نافرمانی در مقابل "استبداد دینی" عملی نیست و قانون استبداد با شمشیر برهنه به اجرا درخواهد آمد. بنابراین اگر قبلاً مخفیانه سر فروهرها را می‌بردند و به قتل می‌رساندند و دست‌های خونی خود را پنهان می‌کردند، حالا رسماً اعلام می‌کنند اعدام خواهند کرد! اگر قبلاً نویسندگان را می‌رودند و به قتل می‌رساندند و آمر قتل‌های زنجیره‌ای را پنهان می‌کردند، حالا رسماً اعلام می‌کنند قلم‌ها می‌شکنند و زبان‌ها را می‌برند! اگر قبلاً مزدوران خود را برای حمله به کوی دانشگاه فرستادند و نقش رهبر و فرمانده نیروهای انتظامی را انکار کردند، حالا رسماً اعلام می‌کنند به فرمان رهبر خشونت خواهند کرد.

خیزش ۶ روزه تیر تقابل جنبش دانشجویی و کل مردم را با تمامیت نظام در مرکز صحنه سیاست چنان

بقیه در صفحه ۲

مجلسی که به مردم دهن کجی می‌کند

محمدرضا شالگونگی

لغو تعطیلی ۲۹ اسفند، روز ملی شدن صنعت نفت، یک بار دیگر طاس رسوایی مجلس شورای اسلامی را به صدا درآورد. واکنش خشم‌آلود مردم چنان گسترده بود که ناطق نوری ناگزیر شد، دو روز بعد، بدون رعایت تشریفات لازم، از طریق یک مصاحبه هول-هولکی با سیمای جمهوری اسلامی، تصمیم مجلس را ملغای اعلام کند. و خود همین عقب‌نشینی شتاب‌زده، مجلسی را که به حد کافی رسوا بود، رسواتر ساخت. و در این میان، بازار تئوری توطئه نیز - که در ذهنیت ما ایرانی‌ها جای مهمی دارد- رونق یافت و وابستگی سران اصلی جناح تمامیت خواه رژیم به انگلیسی‌ها بار دیگر بر سر زبان‌ها افتاد. اما درباره روابط روحانیت حاکم با انگلیسی‌ها هر نظری داشته باشیم، در بددلی

بقیه در صفحه ۲

آیا قوه قضائیه غیرجناحی خواهد شد؟

در صفحه ۳

ارژنگ بامشاد

"آزمون الهی"، این بار گریبان‌گیر مردم ترکیه!

جهانگیر آزاد

با گذشت یک هفته از وقوع زلزله مهیبی که منطقه صنعتی و پرجمعیت ترکیه در "ازمیت" را تکان داد، منطقه‌ای که ۳۰ درصد صنایع این کشور را در خود جای داده بود، دولت این کشور رسماً پایان عملیات نجات را اعلام کرد و بدین ترتیب هرگونه امیدی برای یافتن زنده ماندگان این فاجعه به خاموشی گرائید. سازمان ملل متحد در گزارش دردناک خود در این رابطه تعداد قربانیان فاجعه را بیش از ۳۵ هزار نفر اعلام کرد. علاوه بر این بیش از ۴۵ هزار نفر نیز در جریان این فاجعه جراحات و خمی برداشته و صدها هزار نفر نیز بی‌خانمان شده‌اند. گرمای ۴۰ درجه، به همراه تعفن ناشی از اجساد قربانیان

بقیه در صفحه ۳

از کمک به زلزله‌زدگان ترکیه دریغ نکنیم!

دگربار خشم کور طبیعت فاجعه آفرید و خانه و کاشانه هزاران شهروند ترکیه را بر سرشان خراب کرد. علم و دانش بشری هنوز به آن مرحله از پیشرفت نرسیده است که بتواند جلوی فجایع طبیعی نظیر زلزله را بگیرد، اما در کشورهای سرمایه‌داری پیرامونی، فجایع طبیعی نیز پیش از همه بلاي جان زحمتکشان و فقرای جامعه است و قربانیان خود را از میان محرومان و لگدمال شده‌گان می‌گیرد. در رژیم‌هایی نظیر رژیم ترکیه که استبدادی خشن با روکشی جلف و مندرس از «دموکراسی سیاسی» استوار شده و بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول فرمانروایان واقعی مقدرات توده‌های عظیم تهیست هستند، خانه‌ها، خانه نیست، مصالح ساختمانی، مصالح مرغوب نیست، نظارتی واقعی بر بسازوبفروش‌های بیرحم که با هزار رشته دست در دست بروکراسی فاسد و ماموران رشوه‌بگیر دولتی دارند، اعمال نمی‌شود؛ حتی زمانی که زمین دهان می‌گشاید و هزاران نفر را در خود می‌بلعد، نیروهای امداد دولتی از خود تحرک و چابکی لازم نشان نمی‌دهند و در نجات جان کسانی که زیر آوار مانده‌اند، نقل و مسامحه می‌کنند. چنین است که در برابر زلزله مهیب ترکیه، خشم و درد آدمی درهم می‌آمیزد و دریغ از این همه قربانی، رنگ نفرت از نظم ظالمانه حاکم به خود می‌گیرد؛ چرا که می‌توانست ابعاد فاجعه را محدود کند و نکرد. برای ما، عشق به مردم و همبستگی با دردمندان و داغداران فاجعه‌های عظیم، مرزهای ملی و بومی نمی‌شناسد؛ چشمان اشک‌بار معیبدیدگان حادثه ترکیه چشمان اشک‌بار ماست، رنج‌های آن توده محرومی که نه تنها قربانی انتقام کور طبیعت که قربانی سودجویی‌های نیروهای سرمایه شده است، رنج‌های ماست. ما ضمن اعلام همدردی با مردم ترکیه، و ابراز تسلیت به همه بازماندگان این فاجعه، از همه ایرانیان می‌خواهیم که از هر طریق که می‌توانند در کمک به زلزله‌زدگان ترکیه دریغ نوزند.

دنباله از صفحه ۱ سیاست
 علنی و رسمی کرده است که دیگر حاکمان اسلامی ضرورتی برای مخفی کردن این تقابل نمی‌بینند. این خیزش چنان کمر نظام را شکسته و پایه‌های آن را لرزان کرده است که خاتمی و جناح مقابل رهبر هم برای دفاع از "خط قرمزهای رژیم پلاتفرم اصلاحات خود را غلاف کرده و دو جناح در انطباق با یکدیگر شعار اطاعت از قانون استبداد مطلق و انحصاری فقیه را سر داده‌اند. روشن است که این همه نشانه ضعف و ترس رژیم است و نه قوت و اعتماد به نفس آن؛ روشن است که سیاست خشونت در ادامه خود سرانجام کار را به انفجار و خشونت متقابل انقلاب خواهد گشاید و عبا و عمامه را در آتش خشم مردم خواهد سوزانید. قوانین فوق‌العاده برای شرایط فوق‌العاده و موقت است. اما رژیمی که دوام بقیه عمر خود را منوط به قوانین فوق‌العاده می‌سازد، روشن است که تنها پایان عمر خود را اعلام می‌کند. با وجود این آن چه اکنون در لفظه حاضر باید در کانون توجه ما قرار گیرد، تنها این ضعف استراتژیک رژیم و سرنگونی غیرقابل اجتناب آن نیست، نباید فراموش کرد دشمن هر قدر به لحاظ استراتژیک ضعیف و درمانده باشد، به لحاظ تاکتیک باید آن را جدی گرفت. رژیم زخم‌خورده و وحشت‌زده از ۶ روزه تیر، اکنون سیاست خشونت را تنها راه مرعوب کردن مردم و در محاصره قرار دادن جنبش دانشجویی و سرکوب آن می‌داند و همین امر است که جان زندانیان سیاسی را در معرض خطر جدی قرار داده است. جلوگیری از موج جدیدی از اعدام در زندان‌ها و درهم‌شکستن سیاست خشونت تنها با کارزار گسترده‌ای که جبهه وسیعی از نیروها در داخل و خارج کشور را در بر بگیرد، ممکن است. هر نوع محافظه‌کاری در این زمینه دست رژیم را در کشتار زندانیان و سایر کسانی که تحت تعقیب رژیم قرار دارند، ولی هنوز دستگیر نشده‌اند، باز خواهد گذاشت و رژیم را در تشدید سیاست خشونت جری خواهد کرد.

دنباله از صفحه ۱ مجلسی که

آن‌ها نسبت به مردم ایران نمی‌توانیم تردید کنیم. حقیقت این است که اگر ایران امروز حتی مستعمره مستقیم انگلیس می‌بود، بی‌حقی مردم آن بیشتر از امروز نمی‌شد. در جمهوری اسلامی مردم فقط بی‌حق نیستند، بلکه بی‌حقی‌شان هر روز به آن‌ها یادآوری می‌شود و حکومتیان وظیفه الهی خود می‌دانند که در هر فرصتی مردم را تحقیر نمایند و به آن‌ها دهن کجی کنند. برای پی‌بردن به این حقیقت فقط کافی است بعضی از تصمیمات مجلس شورای اسلامی را در همین دو سال گذشته از نظر بگذرانیم. اکنون دیگر همه پذیرفته‌اند که رأی وسیع مردم به خاتمی در دوم خرداد ۷۶ بیش از هر چیز رأیی اعتراضی به ناطق نوری و حامیان قدرت‌مند او بود. اما مجلس که خود را "خانه ملت" و سخنگوی آن‌ها می‌داند بلافاصله بعد از دوم خرداد، برای دل‌جویی از همین ناطق نوری، بار دیگر او را به ریاست مجلس انتخاب کرد. و به دستور خامنه‌ای، هیچ کس در مقابل ناطق نوری کاندیدای ریاست مجلس نشد، تا معنای انتخاب مجلس، یا بهتر بگوییم توده‌های آن به مردم، به حد کافی روشن باشد. حالا همه پذیرفته‌اند که نارضایی مردم از سیاست‌های فرهنگی رژیم در رأی آن‌ها به خاتمی در دوم خرداد ۷۶ نقش مهمی داشته است. اما مجلس شورای اسلامی با علم به این رأی اعتراضی، به سرعت دست به کار شد و قانون زنانه-مردانه کردن بیمارستان‌ها و درمان‌گاه‌ها و ممنوعیت معاینه و معالجه بیماران به وسیله پزشکان غیر هم‌جنس خودشان را تصویب کرد تا به مردم یادآوری بکند که رأی‌شان هر چه باشد، "از نظر اسلام" به پیشیزی نمی‌ارزد. همه می‌دانند که فقهای اسلام و مدافعان "شرع انور" ده سال تمام با مفاهیم اولیه حقوق کار امروزی مقابله کردند تا بالاخره خمینی

صرفاً برای "حفظ مصلحت نظام" ناگزیز شد حتی نظریه حکومتی‌اش را دست کاری کند و تصویب قانون کار لعاب‌کاری شده‌ای را امکان پذیر سازد. اما "نمایندگان مردم" که داغ این عقب‌نشینی "اسلام عزیز" را بر دل داشتند، برای آن‌که توی دهن مردم زده باشند، با استفاده از عمیق شدن بحران ساختاری اقتصاد، سعی کردند بی‌دفاع‌ترین بخش کارگران کشور را از هر نوع حمایت قانونی محروم کنند. وقتی از کارگران توده‌های خوردند، بزدلانه عقب‌نشینی کردند تا بعد از شش ماه مطالعه، دوباره به اکثریت محروم و زحمت‌کش شیخون بزنند. همه می‌دانند که مردم ایران به رادیو و تلویزیون رسمی اعتقاد ندارند و با حساسیت تمام می‌کوشند از طریق رسانه‌های دیگر - غالباً خارجی - از خبرها و مسایل کشور مطلع شوند. از همین جاست که مطبوعات وابسته به جناح اصلاح طلب رژیم را روزنه کوچکی به سوی روشنایی تلقی می‌کنند. و همه می‌دانند که گردانندگان این مطبوعات تماماً از مدافعان امتحان پس‌داده نظام هستند و حتی بسیاری از آن‌ها از دستگاه‌های اطلاعاتی و سرکوب رژیم برخاسته‌اند و سعی می‌کنند رژیم را از مخمصه کنونی نجات بدهند. با این همه، "نمایندگان مردم" همین مطبوعات "خودی" را بزرگ‌ترین مشکل کشور تلقی کردند و طرح اصلاح قانون مطبوعات را به فوریت به تصویب رساندند تا مردم نتوانند به قول محمد یزدی - "بزرگ‌تر از دهن‌شان حرف بزنند". فهرست این دهن‌کجی‌های مجلس به مردم ایران بسیار طولانی‌تر از آن است که در این نوشته مختصر بگنجد. نسبت دادن این دهن‌کجی‌های مکرر به انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها، با هر نیتی که صورت بگیرد، جز لوث کردن حقیقت نتیجه‌ای ندارد. حقیقت اصلی این است که جمهوری اسلامی برای دفاع از "کیان نظام" که همان ولایت فقیه باشد، جز توده‌های زدن مکرر به مردم راه دیگری ندارد. هر چه مخالفت مردم با ولایت فقیه

عریان‌تر و گسترده‌تر شود این نوع دهن‌کجی‌ها بیشتر خواهد شد. لغو تعطیلی ۲۹ اسفند یکی از همین دهن‌کجی‌ها بود. مدافعان غیور "اسلام عزیز" اکنون ماه‌هاست که تلاش می‌کنند با استناد به سخنان خمینی - که در جمهوری اسلامی در حکم وحی منزل تلقی می‌شود - اثبات کنند که "مصدق مسلم نبوده". و درست با همین تلاش‌های‌شان، مصدق را به نسل جوان کشور می‌شناسانند و در ذهن مردم بر ارج او می‌افزایند. در نظام‌های استبدادی، مردم، هر چیز و هر کس را بر مبنای رابطه‌اش با رژیم سیاسی ارزیابی می‌کنند. بی‌تردید، مصدق یکی از مردان بزرگ سده‌های اخیر تاریخ کشور ماست؛ اما حتی اگر چنین نبود، دشمنی روحانیت حاکم با او می‌توانست چهره محبوبی از او بسازد. اکنون دیگر همه می‌دانیم که ملی‌گرایی و تأکید بر هویت ایرانی در میان جوانان در حال گسترش است و این بیش از هر چیز واکنشی اعتراضی است در مقابل رژیمی که تحقیر مردم را از لوازم وجودی خود می‌داند و عیناً مانند یک قدرت اشغال‌گر عمل می‌کند. دقیقاً برای مقابله با این روحیه اعتراضی مردم بود که "نمایندگان مردم" به فکر لگد زدن به یکی از نشانه‌های غرور ملی ایرانیان افتادند. وگرنه دلیلی نداشت که از میان همه روزهای تعطیل به سراغ تنها روزی بروند که با تاریخ معاصر ایران و سنت مبارزات ضدامپریالیستی ایرانیان پیوندی ناگسستنی دارد.

تا جمهوری اسلامی پابرجاست و ولایت فقیه، یعنی صریح‌ترین و وقیحانه‌ترین بیان نفی حق حاکمیت و حق انتخاب مردم، مقدس‌ترین بُت حکومتی تلقی می‌شود که در پای آن می‌شود حتی فروع دین رسمی را قربانی کرد، نمایندگان مجلس، برای حفظ کرسی‌های‌شان، جز تحقیر مداوم مردم کار دیگری نخواهند کرد. تصادفی نیست که مردم اکنون دیگر نه به اصلاحات کوچک، بلکه به یک اصلاح بزرگ می‌اندیشند: **ویران کردن پی‌های نظام.**

آیا قوه قضائیه غیر جناحی خواهد شد؟

علی‌خانم‌ای رهبر جمهوری اسلامی طی حکمی در ۲۲ مرداد ۷۸، سید محمود هاشمی‌شاهرودی را به عنوان رئیس قوه قضائیه منصوب کرد و به یک‌دهه کار محمدی‌زادی پایان داد. جابجائی رئیس قوه قضائیه، طبعاً نمی‌تواند در ماهیت این قوه و در نقش آن در حفظ و حراست از قدرت ولایت فقیه و قانون اساسی جمهوری اسلامی تغییری بوجود آورد. بنابراین بررسی تحولات کنونی و احتمالاً آتی در این قوه نباید و نمی‌تواند با امیدهای واهی به تحولاتی به نفع مردم و حتی به نفع اجرای قانون در چهارچوب قانون اساسی این رژیم همراه باشد. اما این اصل روشن و بدیهی نمی‌تواند و نباید بی‌توجهی به این تغییر و تحولات و هدف‌های نهفته در پشت آن را توجیه نماید. بدیگر سخن آیا تحولات جدید باعث خواهد شد قوه قضائیه از نقش بشدت جناحی شده‌ی خود بکاهد و حداقل توازنی نسبی میان جناح‌های حکومتی و برابری آن‌ها در مقابل قانون اساسی خود رژیم را بوجود آورد؟

بررسی وضعیت قوه قضائیه و یا وزارت اطلاعات نشان می‌دهد که این دو نهاد، حداقل در ده سال گذشته بشدت توسط شخصیت‌ها و افراد وابسته به جناح راست حکومت و بورژوازی توسط باندهای قدرت روحانیت-بازار اشغال شده‌اند. در این جریان افراد وابسته به انجمن حجّتیبه، جمعیت مؤتلفه اسلامی، و تربیت‌شده‌گان مدرسه حقانی که فردی چون مصباح یزدی یکی از اصلی‌ترین مدرسین آن است، توانسته‌اند، نقش برجسته‌ای در قوه قضائیه و وزارت اطلاعات بدست آورند. انجمن حجّتیبه با چهره‌هایی همچون ناصرمکارم شیرازی، ابوالقاسم خزعلی، راستی کاشانی، واعظ‌طیسی، فلسفی و... توانسته است حضور خود را در محافل روحانیت تثبیت کند. اما حضور چهره‌های وابسته به جمعیت مؤتلفه اسلامی در قوه قضائیه، نشان از نقش این مافیای سیاسی-اقتصادی در قوه قضائیه دارد. با آغاز ریاست محمدی‌زادی بر قوه قضائیه، اسدالله بادامچیان مشاور رئیس قوه قضائیه و رضا زواره‌ای رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور از جمعیت مؤتلفه اسلامی به این قوه وارد شدند. در همین دوره و با توجه به نقش محمدی‌زادی، تربیت‌شده‌گان مدرسه حقانی که نشریه «صبح» بعنوان ارگان‌شان عمل می‌کند، پست‌های کلیدی در قوه قضائیه و وزارت اطلاعات را به کنترل خود درآوردند. وزرای اطلاعات- علی‌فلاحیان و علی‌یونسی- از تربیت‌شده‌گان این مدرسه هستند. تلاش خاتمی برای این که وزیر جدید، پس از اعتراف وزرات اطلاعات به سازماندهی قتل‌های زنجیره‌ای از این مدرسه نباشد، با شکست روبرو شد. از دیگر تربیت‌شده‌گان این مدرسه که در وزارت اطلاعات و یا قوه قضائیه نقش کلیدی دارند می‌توان از افراد زیر نام برد: پورمحمدی معاون اجرائی وزارت اطلاعات، روح‌الله حسینیان قاضی دادگاه ویژه روحانیت و رئیس مرکز اسناد انقلاب اسلامی، زرگر رئیس ستاد امر به معروف و نهی از منکر، علی‌رازمی دادستان سابق

دریافت اطلاعات کافی از سوی دولت ترکیه در زمینه نوع امدادهای مورد نیاز باقی مانده بطوری که امر امداد رسانی بشدت به تأخیر افتاده و چه بسا افراد زیادی به همین دلیل به موقع از زیر آوار بیرون آورده نشده‌اند. مورد دیگر به سازمان امداد آلمان مربوط می‌شود که خیلی زودتر از سازمان امداد ترکیه در محل زلزله زده حاضر بود. از سوی دیگر در حالی که بیش از ۵۰ هزار نفر از افراد نیروهای نظامی ترکیه برای امداد زلزله‌زدگان به محل ارسال شده بودند- البته با تأخیر و سستی- عملاً آن‌طور که می‌بایست از نیروی ایشان بهره‌برداری نشد. گزارش‌گر تلویزیون سوئد با اشاره به این موضوع اعلام کرد که سربازان ترک بیش از آن که به امر امداد رسانی بپردازند نقش ماموران راهنمایی و رانندگی را ایفا می‌کردند. این همه درحالیست که ارتش ترکیه هنگام عملیات نظامی علیه روستاهای کردنشین قابلیت و توان بالایی از خود نشان می‌دهد. در همین حال بلنداجویت نخست‌وزیر ترکیه ضمن رد انتقادات سازمان‌های امداد بین‌المللی در زمینه سهل‌انگاری مسئولین دولتی در کمک‌رسانی به بازماندگان و قربانیان زلزله، اعلام داشت که دولت متبوع وی وفرمانداران تمام امکانات عملی خود را برای یاری رساندن و نجات افرادی که زیر آوار مانده بودند، بکار گرفته‌است و بیش از این نباید از آن‌ها انتظار داشت.

با پایان یافتن عملیات نجات بازماندگان احتمالی نباید تصور کرد که فاجعه به پایان رسیده‌است. زمستان سرد ترکیه در راه است و همان‌طور که نخست‌وزیر ترکیه نیز اعتراف کرد امر ایجاد سرپناه برای صدها هزار بی‌خانمان زلزله‌زده از توان دولت ترکیه خارج است. براساس ارزیابی‌های به‌عمل آمده از سوی موسسه‌های اقتصادی میزان خسارت مادی وارده بیش از ده‌ها میلیارد پوند برآورد شده‌است. تجربه‌های تاکنونی حاکی از آنست که بخش زیادی از کمک‌های مالی بین‌المللی قبل از آن‌که به نیازمندان واقعی آن برسد سر از حساب‌های بانکی سیاست‌مداران ترکیه درخواهد آورد و این بارهم زحمتکش‌ان ترکیه خواهند بود که بار اصلی بازسازی کشور را بر دوش کشیده و مجبور به پرداخت بهای سنگین فساد دستگاه اداری دولت خواهند شد. به این دلیل و برای جلوگیری از تکرار فجایعی با ابعادی که شاهدش بودیم، تسویه حساب قطعی زحمتکش‌ان ترکیه با سیستم فاسد حاکم بر این کشور می‌تواند امید به آینده‌ی بهتری را بوجود آورد.

و دود حاصله از آتش‌سوزی بزرگترین پالایشگاه نفت ترکیه- که ۶۰ درصد بنزین این کشور را تولید می‌کرد- نیز بر وخامت اوضاع افزوده و انتظار می‌رود که بازم بر تعداد قربانیان این فاجعه بیافزاید. مقامات دولت ترکیه این فاجعه را یک فاجعه طبیعی نامیدند و بدین وسیله از بار هرگونه مسئولیتی در این رابطه شانه خالی کردند. این درحالیست که شواهد و اسناد موجود حاکی از آنست که گسترده‌گی ابعاد فاجعه اخیر بیش از همه دلایل اقتصادی داشته و ریشه در فساد گسترده و عمیق حاکم بر دستگاه دولتی ترکیه دارد. این واقعیت که ترکیه بر روی خط زلزله واقع شده و هر آن امکان وقوع چنین حوادثی ساکنین این کشور و بورژوازی منطقه استانبول را تهدید می‌کند، برکسی پوشیده نیست. سال‌هاست که متخصصین زمین‌شناسی با استناد به این موضوع و ده‌ها هزار قربانی زمین‌لرزه‌هایی تاکنونی در این کشور، خواهان بکارگیری شیوه‌های مدرن و تدابیر امنیتی در امر ساختمان‌سازی شده‌اند، اما هم‌چنان که رسم کشورهای دیکتاتورزده و زلزله‌خیزی همچون ایران و ترکیه است، مقامات ترکیه از نظامی و غیرنظامی آن گرفته تا اسلامی و غیراسلامی آن تاکنون هیچ‌گونه اعتنائی به این هشدارها نکرده‌اند. درنتیجه، دلالتان بسازوبفروش هم‌چنان با ساختن ساختمان‌های مقوی‌ای به سودهای نجومی دست می‌یابند و فرمانداران، مسئولان و بازرسان دولتی نیز با گرفتن رشوه‌های کلان به زندگی آسوده و امن خود در کاخ‌ها و ویلاهای افسانه‌ای خویش ادامه می‌دهند. هفته گذشته، «ولی گوچر» مالک یکی از بزرگترین شرکت‌های ساختمان‌سازی ترکیه در یک مصاحبه مطبوعاتی اعتراف کرد که به منظور صرفه‌جویی در مصالح ساختمانی، مقدار زیادی ماسه در سیمان مخلوط کرده و در بتون‌های ساختمانی بکار برده است و به همین دلیل ساختمان‌های وی از استقامت کافی در برابر زمین‌لرزه برخوردار نیستند. هفته گذشته تنها در یکی از همین ساختمان‌ها بیش از ۲۰۰ نفر که اکثریت آن‌ها را خانواده‌ها و کودکان تشکیل می‌دادند جان خود را از دست دادند. مسئولیت دولت ترکیه اما به همین جا ختم نمی‌شود. در طول روزهای گذشته بسیاری از سازمان‌های امداد بین‌المللی به عملکرد و یا به بیان دقیق‌تر بی‌عملی و سستی دولت ترکیه در زمینه کمک‌رسانی به قربانیان زلزله انتقادهای شدیدی وارد کردند. از جمله یکی سازمان‌های سوئدی اعلام کرد که باوجود آماده‌باش کامل کارکنان خود، روزها در انتظار

باز هم از کارگاه پاپوش دوزی کیهان

روزنامه کیهان، ارگان باندهای فاشیست حکومتی، که شب و روز در حال دسیسه چینی برای مطبوعات است و کارگاه پاپوش دوزی اش سه شیفته کار می کند، بار دیگر حربه پوسیده از کار افتاده برای پرونده سازی علیه مطبوعات را به کار گرفته است: هرروزنامه ای که با کیهان هم خط نیست، از خارج خط می گیرد، از کیهان لندن، از نیمرود، از راه کارگر... و حتا از سفارش این نشریات هم (که کیهان از طریق وزارت اطلاعات از آن باخبر می شود)، جرمی ساخته می شود که به درد دادگاه انقلاب، یا دست کم به درد دادگاه مطبوعات، باهیات منمفه ای از امثال آقای حسینیان بخورد!

کیهان با این پرونده سازی ها، دارد پرونده خود را در دادگاه مردم سنگین تر می کند و گوئی هنوز متوجه تفاوت دوره بعداز دوم خرداد، با دوره بعد از هژده تیر نشده است! کیهان چاپ تهران در شماره یک شنبه ۳۱ مرداد ۱۳۷۸ می نویسد:

از هر کدام دو نسخه!

نویسندگان یکی از روزنامه های صبح برای رویارویی با روزنامه کیهان نشریات ضدانقلابی چاپ خارج را مطالعه و بررسی می کند! این شخص که با توسل به هر شیوه و سوژه ای برای معروف شدن خود تلاش می کند، به گفته یکی از نزدیکانش، از حدود ۱۵ روز قبل طی تماسی با بعضی منابع ایرانی مقیم خارج از آن ها خواست نشریاتی که در خارج از کشور علیه کیهان مطالبی دارند را برایش بفرستند!

وی به طور شفاف درخواست کرد دو نسخه از هر کدام از نشریات ضدانقلابی "کیهان لندن" (سلطنت طلب)، "تیمروز"، "پر"، "راه کارگر"، "راه توده" و ... برایش ارسال شود. اتهامات واهی و ساختگی برنامه ریزان جریان ضدانقلاب مقیم نیویورک، واشنگتن، لندن، پاریس، استکهلم، اسلو و رم بر ضد چهره های اصول گری سیاسی و مطبوعاتی کشور چندی است که بدون کم و کاست مورد استناد بعضی از قلم ها و حجره های تجدید نظر طلب و معاندان داخلی قرار گرفته است و از جمله در شماره امروز خود عین مطالب نشریات ضدانقلاب خارجه نشین از جمله نشریه متعلق به اشرف پهلوی را بدون کم و کاست و فقط با افزودن نام سعید امامی در برخی از موارد، شکل بومی به آن بخشیده است!

اعتراض کارگران کارخانه پوشاک سنندج

تشدید بحران اقتصادی و گسترش رکود تولید، در استان کردستان نیز هم چون دیگر جاهای ایران، تعطیلی پی در پی کارگاه ها و کارخانه ها، و اخراج و سرگردانی هزاران کارگر را به همراه داشته است. کارخانه پوشاک سنندج با بیش از ۹۰ کارگر، تحت پوشش بنیاد مستضعفان و جانبازان قرار دارد. تولید این کارخانه، اکنون بیش از پنج ماه است که متوقف شده و کارگران آن با داشتن ۲۰ سال سابقه کار سرگردان اند. یک کارگر زن این کارخانه که شش فرزند دارد، می گوید: «بیش از پنج ماه است که خانواده ام در نگرانی به سر می برند، به هر کجا که مراجعه می کنیم، پاسخ مناسبی نمی دهند، در شرایطی که میلیون ها سرمایه این شرکت بدون مصرف مانده، تکلیف ۹۰ نفر کارگر این کارگاه تولیدی چیست؟». کارگران این شرکت تاکنون بارها در اعتراض به وضع موجود شرکت و سرگردانی خود، به مسئولان استانداری، بنیاد مستضعفان و نمایندگان مجلس مراجعه کرده اند، اما هیچ اقدامی از سوی آنان در جهت حل مشکلات کارگران صورت نگرفته است و حتی در مراجعه اخیر کارگران به استانداری، چند تن از کارگران زن مورد اهانت مسئولان استانداری قرار گرفته اند.

اعتراض کارگران دوچرخه سازی قوچان:

کارگران کارخانه دوچرخه سازی قوچان، با انتشار نامه ای، به رفتار ناشایست کارفرما و سرپرستان برخی از قسمت های کارخانه، با کارگران اعتراض نمودند. کارگران در نامه خود نوشته اند که کارگرانی هستند که بیش از یک سال سابقه کار دارند و کارفرما علی رغم قول خود مبنی بر استخدام رسمی آنان پس از طی دوره آموزشی، کارگران را وادار به امضای قراردادهای موقت نموده است و بارها اعلام داشته، چون این کارگران رسمی نیستند، امکانات رفاهی کارگری شامل حال آنان نمی شود. کارگران افزوده اند که از امکاناتی نظیر لباس کار و کفش ایمنی برخوردار نیستند و حقوق آنان به موقع پرداخت نمی شود.

انقلاب اسلامی استان تهران، علی اکبریان معاون اداری و مالی وزارت اطلاعات، محسنی اژه ای رئیس دادگاه ویژه روحانیت، محمد عراقی رئیس سازمان تبلیغات اسلامی، نواب از سران سازمان ارتباطات و تبلیغات اسلامی، ابراهیم رئیس رئیس سازمان بازرسی کل کشور، با حضوری چنین قوی و داشتن نقش های کلیدی روشن تر می شود که جریان تمامیت خواه چگونه توانسته است اهرم های قدرت را از آن خود کند. همین وضعیت باعث اعتراض دائم جناح خاتمی و ائتلاف کارگزاران و خط امامی ها در چند سال گذشته شده است.

در پی این اعتراضات، نبردهای پشت پرده و سازش های جناح های حکومتی، تغییر و تحولات جدیدی را بدنبال داشته است. کنار گذاشته شدن محمدیزدی از ریاست قوه قضائیه، برکناری محسن رفیق دوست از چهره های جمعیت مؤتلفه اسلامی از ریاست مافیای مالی بنیاد مستضعفان و جانبازان و جانشینی او توسط فروزنده که به نظر پاره ای از نمایندگان مجلس تحولاتی در جهت غیرجناحی عمل کردن این بنیاد بوجود آورده است، کنار گذاشته شدن ابوالقاسم خزعلی از شورای نگهبان بمنابله چهره ای افراطی ضدخاتمی، کنار گذاشته شدن وی جایجائی اسدالله بادامچیان و رضا زاوره ای و دیگر وابسته گان جمعیت مؤتلفه اسلامی از قوه قضائیه، توسط رئیس جدید این قوه، تغییر و تحولاتی تصادفی نیستند. سخن رانی علی خامنه ای در نماز جمعه ۸ مرداد که گفته بود معیار اعتقاد به اسلام و ارزش ها و حفظ منافع ملی و دفاع از قانون اساسی برای من مهم است و نه وابستگی به این یا آن جناح، خود بیان گر تغییری هر چند جزئی در مواضع اوست. او دریافته است که با نقشی که جنبش مردم در شش روزه تیرماه آفرید، دیگر نمی تواند همچون گذشته عمل کند و لازم است که جناح های حکومتی را حول خط خود، متحد نماید و از این اتحاد برای سرکوب مردم سود جوید.

اما او در پی جایجائی این مهره ها، که بر خلاف میل او و اطرافیان صاحب نفوذش انجام می گیرد و هدف آن دور کردن چهره های فوق العاده منفور از جلوی صحنه رودرروئی مستقیم با مردم است، تلاش می کند که نفوذ و نقش این چهره ها را در عرصه های جدید و کمتر درگیر با مردم حفظ نماید. از همین روست که دری نجف آبادی پس از برکناری از وزارت اطلاعات، پست منشی مجلس خیرگان را بدست می آورد و حالا به ریاست دیوان عدالت اداری گمارده می شود و با محمدیزدی پس از برکناری از ریاست قوه قضائیه، به عضویت شورای نگهبان منصوب می شود. و این نشان می دهد که جناح رقیب نباید در پس این جایجایی مهره ها، احساس پیروزی کند و از تأثیرات سیاست های تبلیغاتی خود و حملات مدامشان علیه برخی چهره های تمامیت خواه در نشریاتشان، داد سخن بگویند. و یا امید به غیرجناحی عمل کردن قوه قضائیه و دیگر نهادهای قدرت مند رژیم را به خود راه دهند. از این رو سرمقاله نویسنده روزنامه «رسالت» در ۳۰ مرداد ۷۸ برای تأکید بر این امر نوشت: «محاکمه اشرا، آشوب طلبان، محاربان و مفسدانی که در غائله اخیر در صف اول براندازی بودند، اولین گام کابینه قضائی برای اجرای عدالت است. امید است هنگامی که حکم خدا در مورد مفسدین اجرا شد، عده ای فریاد بر نیاروند که کابینه جدید دستگاه قضائی جناحی است»

مانورهای رهبر رژیم، نه تنها به دل خواه او نیست بلکه نشانه ی وحشت شدید او از جنبش مردمی است که در شش روزه ۲۲ تا ۲۸ تیرماه نشان داد که چگونه همچون آتشفشانی خاموش اما استوار در کمین نشسته است، و ترس از همین نیروست که جایجائی مهره ها را باعث شده است. با این جایجائی ها رهبر رژیم قصد دارد که هم سلاح انتقاد را از جناح رقیب بگیرد و هم آن ها را در سرکوب غیرخودی ها همراه سازد. رهبر رژیم و مافیای قدرت در حکومت اسلامی، با جایجائی مهره ها، قصد دارد سیاست های تاکتونی را حفظ کند، اما قدرت جنبش مردمی به حدی است که این تلاش عبث را نیز به شکست خواهد کشانید. رهبر رژیم و مجموعه ی حکومت اسلامی، درست در زمانی که تلاش می کنند مردم را با شمشیر آخته سرکوب بترسانند، خود از قدرت جنبش توده ای، به ترس مرگ گرفتار آمده اند.